

متن پرسش

السلام علیکم ورحمة الله و برکاته: سرد و بی روح؛ مثل یک سنگم، با خودم سالهاست در جنگم / چه بگویم از این پریشانی، از چنین حال و روز ویرانی، یا بسی توبه های پنهانی / طعم برزخ چشیده اید آیا؟، از قیامت شنیده اید آیا؟ / خسته از خویشم و گریزی نیست، وحشت از تا ابد عقاب شدن، کرده دلریشم و گریزی نیست/ (خود غلط گفتم و ندانستم؛ سنگ، تسبیح می کند همه دم، این منم نا سپاس و بی همدم...)

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ، اگر بشر امروز با توجه به ابعاد اجتماعی اش، در امور سیاسی با هویت قدسی ورود نکند، هر جا که باشد در نیست‌انگاری است، به‌خصوص که جزء لاینفک هویت قدسی در این زمانه حتماً با مقابله با استکبار همراه است تا بتوانیم از نیست‌انگاری دوران عبور کنیم، وگرنه چه مذهبی باشیم و چه روشنفکر، اگر متوجه پوچی دوران و نیست‌انگاری نباشیم؛ همچنان گرفتار بی‌تاریخی و بی‌معنایی خواهیم بود و هیچ‌کدام از مسیرهای معمولی که عملاً در بستر به رسمیت‌شناختن نظام استکباری قرار دارند، راه چاره‌ای برای عبور از نیست‌انگاری نیست. نباید برای عبور از نیست‌انگاری، خود را فریب بدهیم، حتی در پوشش عبادات طولانی. اگر حضرت امیرالمؤمنین «علیه‌السلام» هر شب هزار رکعت نماز می‌خواندند، در راستای حضوری بیشتر، در افقی بود که با اسلام در مقابل‌شان گشوده شده بود و این غیر از عباداتی است که انسان را از درک پوچی دوران غافل کند. موفق باشید